

مه خوشنام

مجموعه شعرا و سخنواره



۱۳۹۵

سرشناسه	: نجف زاده، احمد، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: مه خوشنام / مجموعه شعر احمد نجف زاده
مشخصات نشر	: شیراز: نشر زرينه، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهري	: ۵۸ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۳۹-۳۵-۷
و عیت فهرست نویسی	: فیبا
وضو	: شعر فارسی- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry-20th century
رده دي دي	: ۱۳۹۵ م ۹۶۷۳ ج/ PIR۸۳۶۲
رده بندی دیویی	: فا ۱/۶۲۸
شماره کتابشناسی ما	: ۴۵۳۶۱۷۲



مه خوشنام

احمد نجف زاده

ویراستار: دکتر علی محمد روانستان

ناشر: مرکز نشر زرينه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

طراحی و صفحه آرایي: عظیمه زارع

چاپ و صحافی: شمیم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۳۹-۳۵-۷

قیمت: ۵۳۰۰ تومان

نشانی: شیراز، بلوار ایمان جنوبی، خیابان شهید شیخی، کوچه ۱۷، در دوم سمت چپ

همراه: ۰۹۱۷۷۱۶۷۱۶۳ تلفکس: ۰۷۱-۳۸۴۲۲۴۱۸

Email: nashrezarrineh@yahoo.com

«همه حقوق برای مرکز نشر زرينه محفوظ است.»

مقدمه

۱- شعر چیست؟

شعر حقیقتی ست که اگر نمی شود سراینده آن بود، می توان دست کم خواننده ی آن شد و از روزمرگی ها فاصله گرفت. شعر میزبانی صادق است که قاب مخاطبان را هدف قرار می دهد و آنان را به ساحت ناممکن ها می برد تا خود ببینند و باور کنند که اگر ایمان و عشق باشد، هر ممکن ممکن می شود.

شعر پیام آور خرد می بار آگاهی بخش دردها و رنج های بشری است که شاعر در عشقی تند در بیان راوی آن است.

شاعر در شعر خود از خوشی ها، امیدها، رنج ها، آرمان ها و هر آنچه دل و ذهن انسان را به هم پیوند می دهد، سخن می گوید تا عشاق واقعی معنویت و انسانیت خود را تنها نه تنها با این کلام والای شاعر همذات پنداری کنند که:

نی می کنی ز من یاد نی می روی ز یادم

فریاد از این همه عمر کان در رهت نیادم

چندان گذشت سال و دل خوش به سال دیگر

دل در طلب برآرد آه هر دم از نهادم

بدون شک شاعران متعهدی چون احمد نجف زاده که با تکیه بر ارزش‌های والای اسلامی و انسانی شعر می‌سرایند، شعرشان پرمایه و دل‌نشین است. این‌گونه شاعران با تکیه بر مفاهیم بلند و غنی فرهنگ اسلامی و ایرانی خود رادر قبال جامعه مسئول می‌دانند و به دنبال سیر و سعادت بیشتر برای جامعه هستند.

شاعر این مجموعه نیز چون دیگر شاعران متعهد، شعر را برای تفنن و سرگرمی نمی‌خواهد و به دنبال کشف دنیای پاک و بی‌آلایشی است که سرشار از نوعاوستی و محبت است. ایشان در شعر خود آشکارا مانیفست خود را در این‌گونه بیان می‌کند که:

خواهان عدالتیم و بفشاریم یای

یای عدالت که عدل حرمت انسان است
مجموعه‌ی پیش رو مجموعه‌ای از غزل و رباعی و... است که از جان عاشق شاعر بر می‌آید و بر دل و جان مخاطب می‌نشیند. شاعر که چون عاشقی دل‌خسته از معشوق ازلی و ابدی خود در افتاده است در شعرهای جانسوز خود، مجنون‌وار به دنبال کردن حضرت دوست است و از هر جنبنده‌ای نشان او را می‌جوید:

ز هر جنبنده‌ای گیرم نشانه	ز منزلگاهت‌ای در یگانه
کجایی تا فدای روی ماهت	نمایم جان شیرین بی‌بهانه

شاعر این مجموعه چون خود از چشمه‌ی زلال معرفت الهی نوشیده و از این تجربه‌ی مانا بهره برده، دوست دارد که به مخاطبان جوانش در قالب نصیحت هم که شده، در اشعاری چند به این مهم بپردازد:

بشنو از ما این نصیحت دل بنه بر مهر حق

عاشقان درگه حق را دلی نورانی است

نکته‌ی آخر، هنوار زیبا و با مسمای این مجموعه است که با توجه به شرایط زندگی و اوضاع شاعر و محتوای زیبای اشعار مصداق کامل "شمعی در باد" است.

درمان درد هجران، وصل رخ ناز است

بنمای رخ که بی تو چون شمع رو به بادم

با آرزوی توفیق برای این شاعر وارسته و بی‌ایمان، در بخش پایانی این گفتار با شاعر این اشعار بیشتر آشنا می‌شویم.

۲- شاعر کیست؟

احمد نجف زاده فرزند فریدون در تیر ماه سال ۱۳۴۷ در روستای دریس از توابع شهرستان کازرون در خانواده‌ای متعهد و با ایمان به

دنيا آمد. او فرزند ارشد خانواده بود و از همان کودکی نزد پدر و مادر جایگاه خاصی داشت پس از سپری شدن دوران کودکی برای آموختن علم و دانش وارد دبستان روستا شد و پس از گذراندن مقطع دبستان وارد مدرسه راهنمایی شد.

او نه از همان کودکی با سختی‌های زندگی دست و پنجه نرم می‌کرد و این امر عزم او را برای به کسب علم و عطش دانستن به دلیل شرایط سخت اقتصادی و نداشتن دبیرستان در روستا نتوانست تا پایان دوره‌ی راهنمایی به تحصیل ادامه دهد از این جهت با پدر همراه و در کارهای کشاورزی و باغبانی او را یاری می‌کرد.

از نخستین سال‌های تشکیل بسیج روستایی عضو افتخاری بسیج شد. اوقات فراغت خود را بیشتر در مسجد و در کلاس‌های قرآن و عقیدتی که در آن جا برگزار می‌شد، می‌گذراند. در کنار فراگیری قرآن برای اعتلای روح جستجوگرش به پرورش حس هم‌اهتمام می‌ورزید و به خاطر علاقه زیادی که به فوتبال نشان داد عضو تیم فوتبال روستا شد و تا قبل از مجروحیت در تیم حضور داشت.

در بحبویه جنگ تحمیلی عراق علیه میهنمان و در گرمای اواسط مرداد ماه سال ۶۶ سرنوشت خود را با بوسه بر قرآنی که پدر بر فراز

سرش گرفته بود به خدایش سپرد و راهی خدمت سربازی شد تا ادای دین کند به میهنش.

و پس از گذراندن دوران آموزشی، با اشتیاق برای دفاع از شرافت و غیرت مذهب و خاک وطن به صحنه نبرد با دشمن شتافت و خود را به خاک جهان عاشق و عارف رساند. هنوز چند ماهی از حضورش در جبهه نگذشته بود که در اواخر بهمن ۱۳۶۶ در جبهه فاو مجروح و چشمان خود را تقدیم آرمان خویش نمود، اما ندیدن را بهانه نتوانستن نکرد. پس از مجروحیت به فعالیت خود در زمینه‌های دیگر از جمله ورزش که بسیار دوست می‌داشت ادامه داد و در رشته‌های گلبال و دو میدانی توانست به رفته‌ها، زیادی دست یابد.

در دیگر فعالیت‌های فرهنگی مانند گروه سرود جانبازان که به مناسبت‌های مختلف و مسابقات استانی و کشوری سرود برگزار می‌کرد عضویت داشت و با حضور مؤثر احمد، آن گروه توانست در کشور به عنوان گروه سرود ویژه انتخاب شود.

برای او که روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر داشت و تشنه‌ی دانستن از سال ۱۳۷۵ پی‌گیر علاقه‌ای شد که از کودکی به قرآن داشت. حفظ قرآن و شرکت در مسابقات قرآنی را مجدانه دنبال کرد و در مسابقات شهرستان و استان شرکت و به چندین مقام دست یافت.

شرکت در کارهای فرهنگی مسجد از قبیل برگزاری دعای توسل و دعای کمیل و مراسمی که به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود از دیگر برنامه‌های احمد نجف زاده است که از او شخصیتی فرهیخته ساخته و روح وارسته‌اش را در خلوت دل، به ترنم مکنونات درونش زبان شعر واداشت و واگویه‌های از دل برخاسته‌اش را در این مجلد جمع و تقدیم نموده است.

برگرفته از کتاب شمعی در باد سروده احمد نجف‌زاده

فهرست

عنوان	صفحه
مه زیبا.....	۱۳
شب های جبهه.....	۱۵
مه خانام.....	۱۷
یار سر شهیدان.....	۱۸
رباعیات.....	۱۹